



راهنمای مغالطات: هنر تریب و اعمال نفوذ ذهنی

ترجمه:

دکتر، کبر سلطان

مریم آقازاده

اثر:

ریچارد پاول

لیندا الدر

ویراستار:

نوشین شاهنده

سرشناسه:

پل، ریچارد Paul, Richard

عنوان و نام پدیدآور:

مغالطات: هنر فریب و اعمال نفوذ ذهنی / اثر ریچارد پاول و لیندا الدر؛ ترجمه اکبر سلطانی،

مشخصات نشر:

مریم آقازاده، ویرایش نوشین شاهنده، حمیده موسی پور

مشخصات ظاهری:

تهران: شهرتاش، ۱۳۹۵.

فروست:

مجموعه والدین متفکر، فرزندان متفکر.

شابک:

۹۷۸-۹۶۴-۸۲۸۲-۴۶-۷ ۹۷۸-۹۶۴-۸۲۸۲-۵۵-۹ دوره

وضعیت فهرست نویسی:

فیفا

یادداشت:

The thinker's guide to fallacies: the art of mental trickery and manipulation. عنوان اصلی:

شناسه افزوده:

الدر، لیندا، ۱۹۶۲- م

شناسه افزوده:

Elder, Linda

شناسه افزوده:

سلطانی، اکبر، ۱۳۴۵- ، مترجم

شناسه افزوده:

آقازاده، مریم، ۱۳۶۲- ، مترجم

شناسه افزوده:

شاهنده، نوشین، ویراستار

شناسه افزوده:

س. زر، حمیده، ۱۳۶۰-، ویراستار

رده بندی کنگره:

۱۱۶۵/۶۴م پ/۱۷۵ BC

رده بندی دیویی:

۱۶۵

شماره کتابشناسی ملی:

۴۰۲۵۸

نام کتاب:	مغالطات: هنر فریب و اعمال نفوذ ذهنی
عنوان کتاب به زبان اصلی:	Fallacies: The Art of Mental Trickery and Manipulation
مترجمین:	دکتر اکبر سلطانی- مریم آقازاده
اثر:	ریچارد پاول- لیندا الدر
ویرایش:	دکتر حمیده موسی پور
ویراستار:	نوشین شاهنده
ناشر:	نشر شهرتاش
نوبت چاپ:	اول / ۱۳۹۵
شمارگان:	۱۰۰۰
لیتوگرافی، چاپ و صحافی:	شهرتاش
بهاء:	۱۳۰۰۰ ریال

نشر شهرتاش

تهران- بزرگراه صدر، خیابان کافرتیه، کوچه حاتم خانی، پلاک ۶، کد پستی ۱۵۶۱۱-۱۵۵۲۸، تلفن و نمابر: ۲۱۰۰۰۶۷

پست الکترونیکی: shahrashpublications@gmail.com

مرکز پخش:

انتشارات رهنما - تهران، خیابان انقلاب، خیابان دوازده فروردین، نیش خیابان شهدای ژاندارمری، پلاک ۱۱۲، تلفن: ۶۶۴۰۰۹۳۷ و ۶۶۴۰۰۴۰۴

گروه تفکر نقاد ابن سینا

تهران، خیابان کارگر شمالی، بیمارستان دکتر شریعتی، طبقه پنجم، پژوهشگاه علوم غدد و متابولیسم دانشگاه علوم پزشکی تهران

کد پستی ۱۳۱۳۷-۱۴۱۱۴، تلفن: ۸-۸۸۲۲۰۰۳۷، نمابر: ۸۸۲۲۰۰۵۲

پست الکترونیکی: softania@tums.ac.ir

حقوق این کتاب متعلق به گروه تفکر نقاد ابن سینا است

فهرست مطالب

۱.....	حقیقت و فریب در ذهن انسان.....
۲.....	افراد غیرمنتقد (متفکران غیرماهر در تعقل).....
۳.....	اعمال نفوذکنندگان ماهر (متفکر انتقادی ضعیف).....
۵.....	افراد منتقد منصف (متفکر انتقادی قوی).....
۶.....	مفهوم ماطه‌های فکری.....
۶.....	نامگذاری مغالطات.....
۹.....	اشتباهات برابر ماطات.....
۱۰.....	هیچ فهرست حقیقت ماطه‌ها وجود ندارد.....
۱۲.....	تعمیم‌دهی نادرست.....
۱۷.....	تحلیل تعمیم‌دهی‌ها.....
۲۱.....	تعمیم‌دهی «پس بنابراین».....
۲۲.....	قیاس‌ها و استعاره‌ها.....
۲۴.....	۴۴ مغالطه برای پیروزی در مشاجره.....
۲۶.....	حریف خود را متهم به انجام کاری کنید که شما را به آن متهم کرده است.....
۲۶.....	او را متهم به پایین رفتن از سرایشی بفرمایید (که به فاجعه‌ای ختم می‌شود).....
۲۷.....	به مرجع متوسل شوید.....
۲۸.....	به تجربه متوسل شوید.....
۲۹.....	به ترس متوسل شوید.....
۲۹.....	به ترحم (یا همدردی) متوسل شوید.....
۳۰.....	به احساسات مردمی متوسل شوید.....
۳۱.....	به سنت یا کیش (امتحان پس داده) متوسل شوید.....
۳۱.....	ظاهری درستکار به خود بگیرید.....
۳۲.....	به حریف حمله کنید (نه به استدلال او).....

- ۳۳.....مصادره به مطلوب کنید
- ۳۳.....خواستار کمال شوید (شرایط ناممکن را طلب کنید)
- ۳۴.....دوراهی کاذب ایجاد کنید (یا این/یا آن)
- ۳۵.....قیاس‌ها یا استعاراتی درست کنید که از دیدگاه شما حمایت کنند
- ۳۶.....نتایج حریف خود را زیر سؤال ببرید
- ۳۶.....شبهه ایجاد کنید: تا نباشد چیزی که مردم نگویند چیزها
- ۳۸.....به‌لوا، بنه خلق کنید
- ۳۹.....فض‌ها را انکار یا از آن دفاع کنید
- ۴۰.....حریف با شیطان و خود را پاک و مطهر جلوه دهید
- ۴۰.....موقع به نسبت به پرسش‌ها تجاهر کنید
- ۴۱.....تملق مناطق را بپذیرید
- ۴۱.....از گفته‌ی خود طعنه بکشید
- ۴۲.....شواهد و اسناد را نادیده بگیرید
- ۴۲.....نکته‌ی اصلی را نادیده بگیرید
- ۴۳.....به شواهد تحلیل‌برنده حمله کنید
- ۴۳.....بر نکته‌ی فرعی با فشاری کنید
- از استدلال جهان‌بی‌رحم و خشن استفاده کنید اما عملی را که معمولاً غیراخلاقی تلقی می‌شود، توجیه کنید
- ۴۴.....تعمیم‌دهی‌های درخشان جامعی انجام دهید
- ۴۵.....از تناقض‌های موجود در موضع حریف خود حداکثر استفاده کنید
- ۴۵.....کاری کنید حریفان مسخره به نظر بیایند
- ۴۶.....موضوع را خیلی ساده کنید
- ۴۶.....فقط اعتراض کنید
- ۴۷.....تاریخ را (به روش خودتان) بازنویسی کنید
- ۴۷.....به دنبال منافع خود باشید
- ۴۸.....موضوع را عوض کنید
- ۴۸.....بار اثبات را جابه‌جا کنید

- تفسیر، تفسیر، تفسیر..... ۴۹
- در قالب کلیات مبهم حرف بزنید..... ۵۰
- دو پهلو صحبت کنید..... ۵۰
- دروغ‌های بزرگ بگویید..... ۵۱
- با کلمات انتزاعی و نمادها همچون مسائل واقعی برخورد کنید..... ۵۲
- طرف را دنبال نخود سیاه بفرستید..... ۵۳
- از بار استفاده کنید..... ۵۴
- از مکر دوگانه استفاده کنید..... ۵۴
- تشخیص، مغالطه، تحلیل سخنرانی در گذشته..... ۵۴
- شناسایی مغالطه: تحلیل سخنرانی رئیس جمهوری..... ۶۲
- شناسایی مغالطه: تحلیل سخنرانی یک کاندیدای ریاست جمهوری..... ۶۸
- از دو افراط بپرهیزید..... ۷۲
- نتیجه‌گیری: مغالطه در جهان آرمانی و جهان واقعی..... ۷۴

چرا تفکر برخی افراد بالقوه خطرناک است؟

شاید یکی از مشکلات شایع در باب تفکر حقیقی توهم دانستن باشد؛ به خصوص در حیطه‌هایی مانند فلسفه و روان‌شناسی که اساساً جایگاه مناسب‌تری برای مقولات مربوط به تفکرند. به گفته‌ی دکارت، فیلسوف مشهور رانسوی، هیچ چیز به اندازه‌ی عقل میان انسان‌ها به تساوی تقسیم نشده است، زیرا هر کس بهره‌ی خود را از آن به قدر دیگری می‌داند. هر بن‌اثر سبب شده است تا تعداد افرادی که مدعی متفکر بودن هستند، حتی از تعداد افرادی باشد که مدعی مسلط بودن مثلاً در مباحث خاص هم چون انتگرال باشند، چرا؟ علل آن متعدد است. دلیل اول این است که بسیاری از علوم دارای واژگان تخصصی منحصر به خود هستند و عموم افراد برای استفاده از آن‌ها و بحث درباره‌شان نمی‌بینند. اما استفاده از واژگان مربوط به بحث تفکر، چه از منظر فلسفه و چه روان‌شناسی (که البته این علوم نیز برای واژگان تخصصی خاص خود هستند)، در میان مردم بسیار رایج است، اصطلاحاتی مانند دلایل مرتبط، دلایل کافی، استدلال، منطق، اعتبار، سفسطه، و امثال آن. به کارگیری این اصطلاحات توسط عموم مردم، از عامی و بی‌سواد گرفته تا دانشگاهی و باسواد، این توهم را برایشان ایجاد می‌کند که می‌دانند چه وقت دلایل حمایت‌کننده‌ی یک ادعا مرتبط یا کافی هستند و استدلال معتبر چیست، سفسطه چیست و اساساً درست فکر کردن چگونه است!

۱. برای ترجمه‌ی Fallacy، سفسطه، مغالطه و مغلطه نیز استفاده شده است و منظور از آن استدلال غلط است.

2. Relevant premise
3. Sufficient premise
4. Valid argument

ولی عموماً کسی در صحبت‌های روزمره از انتگرال بحثی نمی‌کند چون اکثراً نمی‌دانند چیست. بنابراین، اگر از کسی بررسی انتگرال چیست می‌گویند نمی‌دانم، اما اگر بررسی تفکر چیست بلافاصله شروع به توضیح دادن می‌کند.

اگر مباحث مربوط به انتگرال کتاب‌های خاص خود را دارد، تفکر نیز دارای کتاب‌ها و مباحث خاص خود است؛ اگر انتگرال کمی پیچیده است و بزرگ شدن در جامعه و تجربه‌های معمول آن را یاد نمی‌گیریم، تفکر بسیار پیچیده‌تر است و با تجربه‌های معمول زندگی لزوماً آن را به خوبی فراموش می‌کنیم. هر چند چیزهایی را دسته‌گریخته آموخته‌ایم، اما در نظام آموزش و پرورش و دانشگاهی خود، دوره‌ای اصولی و مستقل برای آموزش این مقوله نداشته‌ایم و علاقه‌ای هم برای مطالعه‌ی شخصی این موارد در ما وجود ندارد. بنابراین، تفکر را به نحوی نظام‌مند نمی‌آموزیم، بلکه آنچه کسب می‌کنیم ملغی است از اموری درهم و برهم در دیگری درهم‌جوش. جایی که باید به امور معنی رجوع کنیم، به نظر بسنده می‌کنیم و جایی که باید آمار و شواهد تجربی بیاوریم، فقط تحلیل عقلی و انتزاعی می‌کنیم، و برعکس، یعنی آنجا که باید تحلیل عقلی بخواهیم، آمار و شواهد تجربی طلب می‌کنیم؛ و آنجا که باید از شواهد علمی با کیفیت بالا استفاده کنیم، به تجربه‌ی شخصی ارجاع می‌دهیم؛ در عوض جایی که تجربه‌ی شخصی برای تصمیم‌گیری کافی است، معطل شواهد علمی می‌شویم و ...!

برای آنکه ببینیم چقدر با تفکر حقیقی آشنا هستیم، بیایید یک آزمون ساده انجام دهیم؛ هرچند می‌دانیم نمی‌توان نتیجه قابل اعتمادی صرفاً

۱. کافی است یکبار در یکی از سامانه‌های معمول در پایگاه‌های اطلاعاتی واژه‌ی Thinking یا Reasoning را همراه با واژه‌ی Book جست‌وجو کنید و نتایج را ببینید و سپس به کتابخانه‌ی محل تحصیل یا کار خود نظری بیندازید.

۲. مطالعات نشان می‌دهد متوسط مطالعه‌ی هر ایرانی حدود ۲۰ دقیقه است و رمان از کتاب‌هایی است که بالاترین رتبه را دارد.

از یک آزمون کوچک و ساده گرفت، اما شاید برای تلنگر بد نباشد. پنج دقیقه وقت دارید تا پنج خطای رانندگی و پنج خطای تفکر را برای خود بازگو کنید.

این تحقیق بارها انجام شده، هرچند نتایج آن منتشر نشده است! اکثر افراد در کارگاه‌های تفکر که تماماً دانشگاهی بودند، بلافاصله خطاهای رانندگی را برمی‌شمارند اما در مورد بازگو کردن خطاهای تفکر معطل می‌مانند! نه تنها افراد نمی‌توانند دست کم پنج مورد از اسامی خطاهای فکر را که بسیار زیاد است (تعداد مغالطات بیش از ۴۰۰ و تعداد خطای شناختی بیش از ۸۰ عدد) به طور مشخص و عینی بیان کنند، بلکه هنگامی هم که از آن‌ها می‌خواهیم فقط درباره‌ی برخی از آن‌ها توضیح دهند باز دچار مشکل می‌شوند. البته حفظ کردن اسامی این خطاها (بالغ بر ۴۰۰ مورد) برای همه معقول نیست ولی توصیه شده چند مورد شایع را که روزانه با آن‌ها می‌بریم بدانیم. بقیه‌ی موارد را لازم نیست به اسم بدانیم بلکه کافی است بدانیم که چطور رخ می‌دهند و در عمل چگونه از رخ دادن آن جلوگیری کنیم.

یک پرسش: اگر کسی خطاهای مهم رانندگی را نداند آیا شما با او همسفر می‌شوید یا جرأت می‌کنید در ماشین او می‌رانید بنشینید؟ احتمالاً نه. چون کسی که خطاهای رانندگی را نداند راننده‌ی خطرناکی است!

پرسش دیگر: اگر کسی خطاهای تفکر را نداند با چه احتمالی از فکر او استفاده می‌کنید؟ خود این فرد چقدر می‌تواند از تفکر شما سود ببرد؟ آیا فکر کردن او می‌تواند خطرناک باشد؟ بله، جواب مثبت است. یکی از دانشجویان پزشکی تهران که پس از فارغ‌التحصیلی به یک کشور اروپایی رفته بود تا ادامه‌ی تحصیل دهد ماجرای او تعریف می‌کرد که ذکر آن خالی از فایده نیست:

پس از آزمون‌های نظری اولیه برای مصاحبه مراجعه کردم، یکی از اساتید سناریوی بیماری با خونریزی گوارشی را مطرح ساخت و شروع به پرسیدن سؤالاتی کرد تا بر اساس آن تصمیم نهایی را برای قبولی یا رد من بگیرد. هر سؤالی که می‌پرسید من جواب می‌دادم، درست عین کتاب، و مطمئن بودم که پاسخ‌هایم درست هستند. استاد مصاحبه‌کننده پس از اتمام پرسش‌ها از من پرسید: «خب، تو در حد یک پزشک عمومی درس خوانده‌ای، آیا صلاح می‌دانی با یک متخصص سطح بالاتر از خودت هم در مورد این بیماری نسبتاً پیچیده مشورت کنی؟!». اینجا بود که تصمیمم را راب کرده‌ام! درست می‌گفت، همه مسائل بیمار را نباید خودم به تنهایی حل می‌کردم، باید در جایی به خود می‌گفتم دیگر کار من نیست. لازم است با یک متخصص سطح بالاتر مشورت کنم، در صورتی که من بخری که همگی چیز را در مورد این بیماری می‌دانم. در نهایت با آنکه به هم می‌رسش‌ها پاسخ صحیح داده بودم رد شدم و استاد مربوطه پای ورفتم نوشت: "Potentially Dangerous" - یعنی «بالقوه خطرناک!».

چرا؟ شاید دلیل آن باشد که این دانشجو پزشکی با شیوهی تفکر خود، حد و مرز آن، محدودیت‌ها و خط‌های را آشنا نبوده است؛ و کسی که با شیوهی تفکر آشنا نباشد، بالقوه خطرناک است. به دور و بر خود نگاه کنید و نتیجه عدم آشنایی با خط‌های تفکر را ببینید. به عنوان مثال، فرد مغالطه می‌کند که در زمان تمرین سواری کلاه ایمنی لازم نیست چون دیدم را محدود می‌کند! بنابراین تصمیم می‌گیرد از کلاه ایمنی استفاده نکند. مغالطه می‌کند که سیگار خوب است چون مقدار کمی نیکوتین برای بدن مفید است! بنابراین تصمیم می‌گیرد سیگار بکشد. مغالطه می‌کند آلیمو چربی غذا را می‌شوید، پس سبکته را کاهش می‌دهد، بنابراین تصمیم می‌گیرد چربی بخورد و روی آن هم

۱. باید بدانیم که چربی در محلول‌های بازی حل می‌شود و نه اسیدی.

آبلیمو بریزد! مغالطه نکردن سخت است، اما ظاهراً این پیش فرض وجود دارد که ما فکر کردن را بلدیم، پس حالا برویم دنبال بقیه‌ی کارها! باید دانست که تفکر آموختنی است، اما نه فقط از طریق تجربه و در طی زندگی. شاید برای برخی کارها مانند دوچرخه‌سواری یا پرواز با گلابدر تجربه معمولاً کافی و مطالعه کمتر ضروری باشد، اما انجام کارهایی همچون خلبانی با هواپیمای مسافربری صرفاً با تجربه کردن آموخته نمی‌شود؛ همان‌طور که برای دندانپزشک شدن باید به دانشگاه رفت و درس خواند، زیرا تجربه فقط برای دندانساز تجربی شدن کافی است. تفکر مترادف‌های پیچیده‌ای است و تجربه برای یادگیری آن کافی نیست. شاید به همین دلیل است که در برخی کشورها تفکر کردن را حتی از سنین قبل از استان با عناوین مختلفی مانند تفکر انتقادی، فلسفه برای کودکان، مهارت‌های تفکر، آموزش تفکر سطح بالا، و مانند آن توسط افرادی که به فلسفه، روان‌شناسی و یا علوم تربیتی تسلط دارند، آموزش می‌دهند. بنابراین باید برای آموزش تفکر قدمی برداشت. یکی از این قدم‌ها در دسترس قرار دادن منابع مرتبط است.

چرا این کتاب ترجمه شده است؟ زیرا استدلال‌های غلط (مغالطه) فراوان به نظر می‌رسند و شناخت انواع شایع آن برای جلوگیری از این امر مفید خواهد بود. به همین دلیل این کتاب در مجموعه کتاب‌های والدین متفکر فرزندان متفکر^۲ قرار گرفت تا والدین بتوانند با کمک آن‌ها استدلال‌های ضعیف یا مغالطات را از استدلال‌های قوی جدا کنند و به فرزندان خود نیز آموزش دهند. حسن این کتاب نسبت به سایر کتاب‌های این حوزه در آن است که انواع مغالطات روزمره را به زبان ساده بررسی می‌کند.

۱. با نگاهی اجمالی به تعداد باشگاه‌های تقویت عضلات و تعداد باشگاه‌های تقویت تفکر.

می‌توان به این معضل پی برد.

۲. مجموعه کتاب‌های گروه تفکر نقاد این سینا تحت عنوان کلی "والدین متفکر فرزندان متفکر" چاپ می‌شود.

و اما تجربه‌ی گروه تفکر نقاد در مواجهه با این کتاب در سال‌های پیش: اولین اتفاقی که با خواندن این کتاب برای گروه ما افتاد این بود که متوجه شدیم چقدر در صحبت‌های روزمره شاهد مغالطه از جانب خود و دیگر افراد هستیم، در حالی که فکر می‌کنیم استدلال صحیحی انجام داده‌ایم! پس از خواندن این کتاب ابتدا کمی از دست بقیه و خودمان عصبانی و حتی دچار افسردگی شدیم، اما بعد ترجیح دادیم برای درمان افسردگی‌مان سراغ مطالعه در باب تفکر انتقادی و آموزش درباره‌ی آن بپردازیم. به هر حال امیدواریم این کتاب بتواند کمک کند تا ما مطالعه‌های روزمره‌ی ما کمتر و در نتیجه تصمیماتمان بهتر گرفته شود. برای یادگیری بیشتر انواع مغالطات همچنین می‌توانید به پایگاه اینترنتی گروه به آدرس www.avicennact.ir مراجعه و از جلسات سخنرانی در مورد انواع مغالطات، نحوه‌ی تقسیم‌بندی و انواع شایع آن، استفاده کنید. علاوه بر این، تمامی مباحث این کتاب و دیگر کتاب‌های این مجموعه به صوت فایل پاورپوینت در پایگاه اینترنتی گروه یا آدرس www.toltaniebm.com در دسترس همگان قرار دارد. لطفاً در صورت داشتن هر گونه پیشنهاد و انتقادی درباره‌ی این کتاب یا سایر مباحث موجود، نظرات خود را به آدرس پست الکترونیکی ebm_ct@yahoo.com ارسال کنید.

کتاب: **تفکر نقاد**

مسئول گروه تفکر نقاد: **ابن سینا**